

ترامپ از جان ایران چه می خواهد؟



نویسنده

از زمان شروع اعتراضات دی ماه تانکون، مواضع دونالد ترامپ در قبال ایران از حمایت از اعتراضات و تشویق به سرنگونی تا تمرکز بر موضوع هسته‌ای و مذاکره و تهدید نظامی نوسانات زیادی داشته و به موازات آن انتقال نیرو و تجهیزات نظامی آمریکا به منطقه اوج گرفته‌است. از این جهت مواضع یک ماه‌اخیر ترامپ قابل تأمل و تحلیل‌است؛ به‌خصوص از آنجایی‌که این اظهارات به قیمت جان جمعی از شرکت‌کنندگان در راهپایه‌های آمریکا و جان داندنو در صورت حمله نظامی به ایران نیز آتش خارجی به ایران جان داندنو در صورت حمله نظامی به ایران نیز آتش جنگی برافروخته می‌شود که دامن متحدینش رافرمای گیرد و پیامدهای جبران ناپذیر غیرقابل کنترلی ایجاد می‌کند. نگاهی گذرا به مواضع ترامپ در یک ماه اخیر، این نوسانات را نشان می‌دهد:

یکم، فردای شروع اعتراضات در کشور، در ۸دی نانیاهو، نگرانی خود را به جهت مبنی بر بازسازی برنامه هسته‌ای ایران ابراز کرد. ترامپ در کنفرانس مشترک با نانیاهو در مارالاکو، تهران را به حملاتی «حتی شدیدتر از قبل» در صورت اثبات ادعاهای اسرائیل تهدید، اما تأکید کرد که امیدوار است اوضاع به چنین گزینه نظامی منجر نشود. او گفت: «شنیدم‌ام که ایران در تلاش‌است دوباره (توان نظامی خود را) بازسازی کند. اگر این کار را بکنند، ما انتخاب دیگری نخواهیم داشت جز اینکه خیلی سریع آن را نابود کنیم. ما آنها را در هم خواهیم کوبید.» ترامپ همچنین در پاسخ به سئوالی در مورد اعتراضات ایران گفت: «آنها مشکلات زیادی دارند؛ تورم و خشکانی دارند، اقتصادشان اصلاً خوب نیست و من می‌دانم که مردم خیلی خوشحال نیستند، اما فراموش نکنید هر بار که اعتراضی یا تجمعیی شکل می‌گیرد، کوچکی یا بزرگ، آنها شروع به تیراندازی به مردم می‌کنند. من این الگو را سال‌هاست که دیده‌ام. ناراضی‌بی بسیار شدیدی وجود دارد.» وی در پاسخ به سئوال دیگری در مورد تغییر حکومت هم گفت: " قرار نیست اینجا پایستم و درباره سرنگونی یک حکومت صحبت کنم. اما آنها می‌دانند کجای کار هستند و وضعیتشان اصلاً خوب نیست." این اظهارات در شرایطی بیان شد که اعتراضات مسالمت‌آمیز و نیروهای حافظ نظم با مبادرا با معترضین مواجهه داشتند.

دوم، چهار روز بعد، در ۱۲دی، ترامپ در حساب کاربری در شبکه اجتماعی تروث سوشال با لحنی تهدیدآمیز نوشت: «اگر ایران به روی معترضان مسالمت‌جو شلیک کند و آنها را با خشونت بکشد که رویه آنهاست، ایالات متحده آمریکا به نجات آنها خواهد‌آمد. درآماده باش کامل برای شلیک و اقدام فوری هستیم و آماده حرکتیم.» این کلمات تحریک‌کننده مداخله خودپایانه هم در شرایطی مطرح شد که هنوز اتفاقات تلخ بعدی رخ ندهاده بود.

سوم، با تهدید به «ضربه سخت» در ۱۴دی، ترامپ درجمع خبرنگاران گفت که «ما اوضاع را از نزدیک زیر نظر داریم. اگر آنها مثل گذشته شروع به کشتن مردم کنند، رگرم می‌کنم خیلی سخت از طرف ایالات متحده ضربه خواهند خورد.» او تهدید نظامی علیه ایران را با عملیات موفقیت‌آمیز قبلی دولتش (بازداشت مادیورو در ونزوئلا) مقایسه کرد تا نشان دهد تهدیدش جدی است و گفت: «ببینید که در ونزوئلا چه اتفاقی افتاد. همه می‌گفتند مادیورو هرگز کنار نمی‌رود، اما او حالا کجاست؟ او در بازداشت‌است. مادیوقا همان سطح از تمرکز و قاطعیت برای ایران داریم. الگوهمان است.» در همان پرواز، تصویری از ترامپ در کنار ساتنور لندیزی گرایب منتشر شد که کلامی با شعار MakeIran Great Again را بدست داشتند. سخنان ترامپ که به صراحت از الگوی «ربودن یابازداشت دست‌داشتند. سخنان ترامپ که به صراحت از الگوی «ربودن یابازداشت رهبر یک کشور» برای ایران سخن می‌گفت، منجر به تشویق عناصری شد که در روزهای بعد درصدد بهره‌برداری از اعتراضات بحق مردم در خیابان‌ها و انتحرافی از حرکت‌های خشونت‌آمیز بودند.

چهارم، بعداز ورود عناصر فرصت‌طلب و تروریست و تجزیه‌طلب در بین معترضان و حوادث خونین ۱۹و۱۲دی، ترامپ، ۱۵دی در تروث سوشال برای کمک اعلام آمادگی کرد و نوشت: «ایران آزادی را پیش روی خود می‌بیند، شاید بیش از هر زمان دیگر. ایالات متحده آمریکا آماده کمک‌است.» در پست دیگری در همان روز، خبر برافراشتن پرچم شیر و خورشید بر فراز سفارت ایران را در لندن بازنشر کرد. **پنجم**، در ۲۲دی، ترفور۵۸ درصدی برای کشورهای که با ایران معامله می‌کنند، وضع کرد و فشار اقتصادی بر ایران را به حداکثر رساند. **ششم**، ترامپ عبارت «کمک در راه‌است» را دو بار در ۲۳دی تکرار کرد، او در قامت یک رهبر مشروطی، ابتدا در پستی در تروث سوشال خطاب به معترضان نوشت: «کمیته‌های اسرائیلی، به اعتراضات ما، هدیه و نهادهای دولتی را تصرف کردند. کمیند نام سرنگون‌گران را ثبت کنید زیرا اینها بهیشتی هستند. شما را می‌خواهیم.» او با اعلام لغو تمامی دیدارهای برنامه‌ریزی شده با مقامات ایرانی تا زمان توقف کشتار معترضان، عبارت «کمک در راه‌است» را اعلام کرد و در پایان نوشت: «ایران را دوباره از عظمت کنید!» این پیام ضمن اعلام حمایت آشکار از معترضان، تغییر لحن قابل‌توجهی نسبت به هشدارهای قبلی داشت. ترامپ عملاً معترضان و عوامل نفوذی را تشویق به خشونت و اقدام علیه ساختار قدرت در ایران کرد. چند ساعت بعد در همان روز، طی سخنرانی در کلوب سخنرانی دیترویت، پیام «کمک در راه‌است» را مجدداً تکرار کرد و وقتی خبرنگاران درباره معنای دقیق آن پرسیدند، با لبها هم پاسخ داد: «باید خودتان متوجه شوید، متأسفم!» او در همان روز در گفتگو با سی‌بی‌اس هم هشدار داد که اگر مقامات ایران در دست به اعدام معترضان بزنند، شاهد اقدامات شدید خواهند بود.

هفتم، در کمتر از ۲۴ ساعت، در چرخشی آشکار، ترامپ در ۲۴دی گفت که بر اساس اطلاعاتی که به گفته او از «منابع موثق» دریافت کرده، کشتار در ایران متوقف شده‌است و اعدام‌ها نیز انجام نخواهد شد و طبق این اطلاعات، در حال حاضر برنامه‌ای برای اجرای احکام اعدام وجود ندارد. اوهمچنین هشدار داد ازسرگیری کشتار یا اجرای اعدام‌ها، واکنش آمریکا را به دنبال خواهد داشت.

هشتم، در ۲۶در ترامپ از ایران به خاطر «لغو اعدام بیش از ۸۰۰ نفر» تشکر کرد و در تروث سوشال نوشت: «من خیلی به این واقعیت که تمام اعدام‌های برنامه‌ریزی شده که قرار بود دیروز انجام شوند بیش از ۸۰۰مورد از آنها،) توسط رهبری ایران لغو شده‌است، متحیرم.» این خبر **نهم**، در ۲۷دی، در گفتگو با یوتیوبیکو گفت: «زمان آن رسیده که در دنبال رهبری جدیدی در ایران باشیم.»

دهم، ترامپ در عهمن به اکسپوس گفت که ناوگان ایالات متحده در سواحل ایران بزرگ‌تر از ناوی است که او به ونزوئلا فرستاده‌است. اما تأکید بر اینکه اوضاع باایران «در حال تغییر وتعلیق» است، در عین حال گفت که دیپلماسی همچنان یک گزینه‌است و ایران خواهان توافق است: «آنها می خواهند معامله کنند.من این را می‌دانم. آنها برای تماشای گرفته‌اند.آنها می خواهند صحبت کنند و به شدت تشنه معامله‌اند.»

یازدهم،مهم‌ترین تغییر در ۸بهمن رخ داد، زمانی که ترامپ صریحاً تهدید نظامی را به برنامه هسته‌ای ایران مرتبط کرد و خواستار تن دادن ایران به توافق و جلوگیری از دستیابی آن به سلاح هسته‌ای شد، بدون هیچ اشاره‌ای به اعتراضات یا سرکوب. او در تروث سوشال گفت: به حمله گسترده کرد و هشدار داد: «با اعزام ناوگان عظیم دریایی (آرمادا) به منطقه، اگر ایران به توافق جدیدی تن ندهد، حمله بعدی بسیار مخربتر از حملات سال گذشته به تأسیسات هسته‌ای خواهد بود.» او ضمن تهدید با تأکید بر «سرعت و خشونت» به «امیدوارم ایران به سرعت «به میز مذاکره بیاید» و برای یک معامله عادلانه و متصفانه «بدون سلاح هسته‌ای» مذاکره کند، معامله‌ای که برای همه طرف‌ها به نفع باشد. زمان در حال تماشای است: واقعا حاشیای است! «عملیات چکش قبلاً به ایران گفته، معامله کنید! آنها این کار را نکردند و «عملیات چکش نیمه شب» رخ داد، یک تحریب بزرگ برای ایران. حمله بعدی بسیار بدتر خواهد بود! نگذارید این اتفاق دوباره رخ دهد.»

کرد که ایران برای جلوگیری از اقدام نظامی باید دو کار انجام دهد: «برنامه هسته‌ای را کنار بگذارد. ۲. کشتار معترضان را متوقف کند. او گفت که مقامات تهران برای اجتناب از حمله نظامی، به دنبال گفتگو و معامله با ایالات متحده هستند.

پنجم در صحت: ۱۲



پزشکیان در آیین تجدید میثاق دولت باآرمان های امام راحل (۵):

مصمم به مقابله با رانت و بی عدالتی هستیم

«<<<>>>»



رئیس جمهوری با تأکید بر اینکه بخشی از مشکلات و چالش‌های پیش آمده ریشه در عملکرد خود مسئولان دارد، گفت: درمان بسیاری از مسائل امروز جامعه در بازگشت به اصول و توصیه‌های حضرت امام (ره) و قرار دادن مردم به عنوان پایه و ستون اصلی جامعه نهفته‌است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، مسعود پزشکیان در آیین تجدید میثاق دولت باآرمان‌های امام راحل اظهار داشت: در هفته‌های گذشته ایام سختی را پشت سر گذاشتیم و بخشی از مشکلاتی که باآن مواجه شدیم، به رفقا و عملکرد خود مایبازمی‌گردد: هم درد از ماست و هم درمان.

وی با اشاره به لزوم رجوع مستمر به اندیشه‌های حضرت امام تصریح کرد: بارها تأکید کرده‌ام که باید رفقا و عملکرد خود را با آنچه امروز دست‌ور داده‌اند تطبیق دهیم، چرا که علت مواجهه با مشکلات این است که به این دستورات عمل نکرده‌ایم. اگر توصیه‌های امام را به‌درستی اجرایی کردیم و مردم را اصل و پایه جامعه و ستون‌های آن دانستیم، کار به این تلخی‌هایی کشید.

رئیس جمهوری با استناد به فرمایشات امیرالمؤمنین (ع) در نامه به مالک اشتر گفت: زمانی که عموم مردم ناراضی باشند، رضایت خواص کارساز نیست؛ اما اگر اکثریت مردم رضایت داشته باشند، رضایت خواص را درآورد؛ در حالی که ستون دین، جمع

مسلمانان و نیروی اصلی در برابر دشمنان، عموم مردم هستند؛ بنابراین دل حاکم باید با مردم باشد و در کنار مردم باشد.

وی با بیان اینکه مردم جناح، گروه یا دسته خاصی نیستند، اظهارتشان کرد: اگر مردم را تفکیک کنیم، دیگر آنها را نمی‌بینیم بلکه صرفاً یک گروه یا جناح را می‌بینیم. اگر بخواهیم در مسیر امام حرکت کنیم، باید با مردم و برای مردم باشیم و تا حد توان خدمت‌رسان صادق این ملت عزیز باشیم.

واقعیت‌های جامعه و حرف‌نمی‌توانیم

رئیس جمهوری با اشاره به مسئولیت سنگین مدیران و وزرا اظهار داشت: مردم بیش از آنکه به سخنانی‌ها گوش دهند، رفتار ما را می‌بینند. واقعیت‌های جامعه با حرف تغییر نمی‌کند؛ آنچه باور می‌آوریم، عملکرد رفقا و رفتار است. باید شرایط به گونه‌ای رقم بخورد که مردم در عمل احساس کنند مسئولان باآان هستند.

پزشکیان با استناد به فرمایش دیگری از حضرت علی (ع) گفت: کسی که خود را پیشوا می‌داند، وظیفه مردم قرار می‌دهد، وظیفه او پیش از توصیه دیگران، ابتدا خود را اصلاح کند و این اصلاح باید در رفتار و عمل نمایان شود، نه صرفاً در گفتار. گفتار، تحقق عدالت در جامعه باشدعار ممکن نیست؛ بلکه فقط از مسیر رفتار عادلانه و اصلاح عملکرد مسئولان امکانپذیر خواهد بود.

پزشکیان نقش هدایت‌های رهبر معظم انقلاب را در خنثی‌سازی این توطئه‌ها تعیین‌کننده دانست و گفت: این هدایت‌ها همواره این نقشه‌ها را خنثی کرده‌است و خواهد کرد. با این حال، این موضوع وی با تأکید بر اینکه هیچ قدرتی قادر نیست جامعه، ملت یا

رهبرمعظم انقلاب درگذشت آیت الله

عبدخدائی راتسلیت گفتند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی، درگذشت عالم متعهد آیت الله عبدخدائی عضو سابق مجلس خبرگان رهبری را تسلیت گفتند.

متن پیام رهبر انقلاب به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم
خبر درگذشت عالم متعهد جناب حاج شیخ محمدهادی عبدخدائی را دریافت کردم.

ایشان از دوستان دیرین ایجابان و آراسته به فاضال و سلیقه‌ای در خور پیشوا می‌رسانم و تهران و مشهد و نیز در خارج کشور منشاء خدمات ارزشمند بودند.

به خاندان محترم عبدخدائی تسلیت عرض میکنم و

مغفرت و علو درجات برای ایشان مسألت می‌نمایم.

سیدعلی خامنه‌ای

۱۳۴۱/۱/۱۱

به این مناسبت، به‌مددباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم پیام تسلیت جداگانه‌ای صادر کردند.

حجت الاسلام «عبدالرضا ایزدپناه» مدیر مسئول روزنامه «اطلاعات» نیز در پیامی، درگذشت آیت الله

می‌خواهند صحبت کنند و به شدت تشنه معامله‌اند.»

تشییع پیکر آیت‌الله عبدخدایی درحرم مطهر رضوی

پیکر آیت‌الله محمدهادی عبدخدایی نماینده سابق مجلس خبرگان رضوی در تهران و مشهد و نیز در خارج کشور مشهد تشییع و در دارالرحم حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد.

به گزارش خبرنگار اطلاعات در مشهد، آیین تشییع پیکر مرحوم عبدخدایی با حضور افسران مختلف مردم‌آرامی و شهداتحرم مطهر رضوی برگزار و نماز میت توسط آیت‌الله سیداحمدعلم‌الهدی نماینده ولی قلیه در خراسان رضوی اقامه شد.

آیت‌الله محمدهادی عبدخدایی، ۱۰بهمن در ۸/سالگی دار فانی را وداع کرد. مرحوم عبدخدایی در دوره پنجم مجلس خبرگان رهبری به عنوان نماینده خراسان رضوی به عضویت این مجلس درآمد.

از دیگر سوابق وی می‌توان به ۱۳دوره نمایندگی مشهد در مجلس شورای اسلامی، فعالیت به عنوان سفیر ایران

در واتیکان و عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی

اشاره کرد. آیت‌الله عبدخدایی اواخر عمر را در بستر بیماری گذراند.

نایب‌الدین شاد که ما مسئولان و خدمتگزاران، نسبت به نوع رفتار، عملکرد و نگاه خود تجدید نظر نکنیم، یک سوی ماجرا دشمن است و سوی دیگر، خود ما هستیم که باید در شیوه عملکرد، نگاه و ارتباطاتمان اصلاحات لازم را انجام دهیم.

دولت مصمم به اقدامات اصلاحی است

رئیس جمهوری با اشاره به وجود برخی مشکلات و مصادیق ویژه‌خواری در حوزه‌های مختلف افزود: دولت مصمم است در سایر عرصه‌هایی که بارانت، تبعیض و بی‌عدالتی مواجه هستیم، اقدامات اصلاحی لازم را انجام دهد. تحقق این هدف نیازمند همراهی و همکاری نمایندگان مجلس، روحانیت، فعالان سیاسی، تشکل‌ها و انجمن‌هاست تا بتوانیم از چرخه بی‌عدالتی خارج شویم.

سیدحسن خمینی: اشتباهاتمان را باید بپذیریم

نوه امام راحل هم دراین مراسم با تأکید بر ضرورت پذیرش اشتباهات و گره زدن دل‌ها در کشور، گفت: همه می‌دانیم امروز مشکلات بزرگی در کشور وجود دارد و بخش بزرگی از آن به خاطر دشمنی‌هاست. دولت‌آقای پزشکیان مجموعه‌ای از سختی‌های یک تنه به دوش می‌می‌کشد، ولی خدا را دراد.

به گزارش ایرنا، حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی با تأکید بر اینکه امام یک تقویت‌بنیادین یا همه‌گروه‌دارند، تصریح کرد: امام از روز اول با مبارزه مسلحانه موافقت نمی‌کند: تنها راه [مبارزه] «قدرت نرم» یعنی مردم است. این چیزی است که بعد از انقلاب، غرب و غربی‌ها را به نوع دیگر نگاه به مقوله اسلام، عاشقان اهل بیت (ع) و یک رهبر دینی واداشت.

وی با اشاره به اینکه همیشه انکای جمهوری اسلامی به مردم بوده است، افزود: قدرت نرم جمهوری اسلامی کسانی هستند که کمترین انتفاع را از آن بردانند. معمولاً آنهایی که سر سفره جمهوری اسلامی بودند، منتقدین و غرغروهای بیشتری هستند. آن کسانی که آمدند جنگ را بر عهده داشتند و انقلاب را از هر خطری عبور دادند و در این حوادث ایستاد، در چهار روز، سیل‌آسا آمدند و باز هم طومار هر بحرانی را بین بردند، «مردم» بودند.

جمهوری اسلامی یک رهبر دارد و آن هم‌مردمند

نوه امام راحل با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی یک رهبر دارد و آن هم مردم هستند، گفت: نقطه قدرت جمهوری اسلامی حتماً نیروهای نظامی، امنیتی و سلاح‌هایست، اما آن که او را ممتاز کرده «دل‌های مردم» است.

سید حسن خمینی با اشاره به اینکه امام می‌فرمایند رمز پیروزی ما رمز بقای ما هم هست، افزود: هر جا مردم باشند، هیچ دشمن خارجی هیچ کاری نمی‌تواند بکند. اگر ایمان به خدایمان باشیم و خداوند دل‌های ما را به هم گره بزند، منتی‌ها را کنار بگذاریم و بیشتر از پیش خدمت کنیم، از دشمن خارجی نمی‌ترسیم. قدرت نرم جمهوری اسلامی «ایمان مردم» و «رضایت مردم» است؛ باید لحظه به لحظه این بی‌نیوچگی را

بخش بزرگی از مشکلات نتیجه دشمنی‌هاست

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه بخش بزرگی از مشکلات امروز نتیجه دشمنی‌هاست، گفت: فراموش نکنیم که ما یک ملت هستیم و آن کسی که می‌خواهد این ملت را پایا بزند و در مقابل هم‌قرار دهد، سعادت مارا نمی‌خواهد. اومی خواهد قدرت اصلی ما را بگیرد و دلش به حال هیچ کدام ما نسوخته‌است.

یادگار امام ادامه داد: اگر تا اینجا می‌دانیم و بعد از این هم می‌رویم، در هر جنگ یک وجب از خاک کشوریمان را از ما همه دینا ندادیم، اگر مردم کردستان دست در به سینه تجزیه‌طلبان زنند، اگر مردم بلوچستان ایرانی‌تو دشمنان را ترجیح دادند، اگر خوزستانی‌ها گفتند عرب هستیم ولی ایرانی هستیم و اگر آذربایجان دل ایران بخواهد، دوست، به خاطر این است که ما یک ملتیم و این قدرت برای آنها باز نماندنی شده‌است. سید حسن خمینی با اشاره به فرمایش رهبر معظم انقلاب که فردای حوادث اخیر گفتند: «حواست‌ها به وحدت باشد» گفت: خبر دارم که سید پیام و موساد با تمام قدرت آمدند، به فضای مجازی رخنه کردند و برای خودشان کار را تمام شده می‌دانستند. چیزی که ما را از این دیاره عبیر داد، همان قدرتی بود که امام باآن انقلاب را پیروز کرد: مردم، هدف اولیه دشمنان براندازی یا تجزیه ایران نیست؛ هدف اصلی آن‌هاست که ما را چندانکه بکنند و به نجان هم بیندازند. اگر چندپاره شدیم، همه چیزی که می‌خواهند را به دست می‌آورند؛ لذا نقش‌شان را روی هم باز کنیم، دل‌هایمان را به هم گره بزنیم، خبر هم را بخوایم، با مخالفانمان صحبت کنیم، اشتباهاتمان را بپذیریم و در رغبش بگویشیم.

اطلاعات گزارش می دهد

عراقچی: ایران برای حمله احتمالی آمریکا آماده است

نزدیک رصدمی شوند و برای هر احتمالی آماده سازی هایی انجام می شود. او خاطرنشان کرد که رژیم صهیونیستی و انتخابات اسرائیل عوامل تعیین کننده‌ای در این فرآیند نیستند و افزود:

«ما خود را برای هر احتمالی آماده کرده ایم».

روابط ترکیه و ایران قوی و سازنده است

عراقچی همچنین روابط بین ترکیه و ایران را قوی و سازنده دانست و گفت: «دو کشور دائماً در حال تبادل نظر هستند.

وی تأکید کرد: «دیدگاه‌های ترکیه در مورد ایران همیشه بسیار سازنده بوده و این برای ما بسیار مهم است. به ویژه در طول جنگ ۱۲ روزه بین ایران و رژیم اشغالگر اسرائیل، شاهد رویکرد بسیار سازنده ترکیه بودیم. پیوند بسیار محکمی بین ملت‌های ایران و ترکیه وجود دارد. رئیس‌جمهور اردوған گفت "استفاده از دیپلماسی به نفع منطقه است." ترکیه نیز در تلاش برای یافتن راه‌حلی در منطقه است. ما این تلاش‌ها را حمایت از بی‌بی می‌کنیم. موضوع اروپا تنش در منطقه را کاهش نمی‌دهد، بلکه آن را تشدید می‌کند.

وزیر خارجه همچنین با اشاره به نازاری‌های قبلی در ایران، به لزوم تمایز قائل شدن بین اعتراضات اقتصادی مسالمت‌آمیز و اقدامات مسلحانه و خشونت‌آمیز تأکید کرد و اظهار داشت که طبق آمار رسمی، تعداد کشته‌شدگان تقریباً ۳۰۰ نفر است و

افزود که ادعاهای مربوط به اعداد بالاتر، منعکس‌کننده حقیقت نیست. وی گفت که اکثر قربانیان نیروهای امنیتی بودند.

اسرائیل باید از خاک سوریه خارج شود

وزیر خارجه همچنین در پاسخ به ادعاهای «تغییر نظام»، استدلال کرد که این موضوع غیرواقع‌بینانه است و اظهار داشت که نظام سیاسی در ایران ریشه عمیقی دارد و قوی است. او افزود: «ما ظرفیت دفاع از خود را داریم؛ ما به کسی نیاز نداریم.» عراقچی خاطرنشان کرد که سیستم‌های دفاعی تأکید کرد که به داعش و سایر سازمان‌های تروریستی ایفا می‌کند. گفت که موضع اروپا تنش در منطقه را کاهش نمی‌دهد، بلکه آن را تشدید می‌کند.

وزیر خارجه همچنین با ارائه پیام‌های واضح در مورد مبارزه با سازمان‌های تروریستی، اظهار داشت که ایران آماده مبارزه با تمامی ساختارهایی است که امنیت آن را تهدید می‌کند.

وزیر امور خارجه با بیان اینکه هدف مشترک کشورمان با اردوغان رفاه منطقه است، تأکید کرد: «ترکیه هم در تلاش برای یافتن راه‌حلی در منطقه است و ما این تلاش‌ها را حمایت از بی‌بی می‌کنیم».

* یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۴ * ۱۲ شعبان ۱۴۴۷

* یکم فوریه ۲۰۲۶ * سال صدم * شماره ۲۹۱۵۸

etelaatonline

etelaat.com



امتناع فهمیدن



نویسنده- استاد دانشگاه

حوادث دیماه ۱۴۰۴ در میان ۱۰۰ شورش مطالعه شده پس از انقلاب اسلامی، از نظر شدت درگیری، حجم خشونت، وسعت و پراکندگی جغرافیایی و طولانی بودن مدت آن بی‌سابقه است: از ۸ تا ۲۱ دیماه، در ۳۳۳ شهر، ۳ هزار نفر جان باخته و بالغ بر ۳۰ هزار نفر مجروح و زخمی شدند (۱). ادعاست، اغتشاش گران، گروه های تروریستی مسلح و مزدور آمریکا و اسرائیل، سلطنت طلبان و منافقین در حوادث دیماه توانستند بر موج برآمده از صفوف معترضان و ناراضیان سوار شوند و مطالبات و تقاضاهایی که عمدتاً « اقتصاد پایه» بر اساس (سخت شدن سفره معیشتی مردم)، «بی‌ثباتی در کسب و کارها»، «گره بازار و توقف تولید»، «افزایش شدید قیمت ارز و دلار» بود را به سمت شورش، ناامنی، آشوب، تخریب، آتش‌زدن و جنگ گسترده هدایت کنند.

آمریکا و اسرائیل به همراه بیش از ده کشور دیگر، آشکار و پنهان، تدارکات‌چی و اسلحه‌رسان و حامی اصلی این اغتشاشات و تخریب‌ها بودند.

اما حضور گسترده مردم در کنار نیروهای اطلاعاتی، امنیتی، نقشه دشمنان را البته متأسفانه با هزینه‌های گزاف و خسارات‌های انسانی و مادی فراوان مهار کرد و فعلاً شرایط آرامش در کشور را ایجاد کرده اند. با تقدیر از مجاهدات‌های مردم عزیز و نیروهای جان بر کف

اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی کشور لازم است به «تحلیل بحران» از ابعاد مختلف آن پرداخت تا از تکرار مجدد آن جلوگیری شود.

به قول مرحوم دکتر محمد مصدق: «چگونه ممکن است خون ایرانی در عروق کسی جاری باشد و مداخله اخبثی در امور کشور را تحمل کند؟» «اجنبی و بیگانه به ویژه به صورت نظامی و تسلیحاتی برای هیچ کشوری آزادی نیابوده است.

پس پاسخ مردم ایران در برابر بیگانگان و سلطه طلبان و تجزیه طلبان ایران عزیز چون گذشته قاطع و دندان شکن است و همه از مام وطن، اتحاد و انسجام ملی، یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور دفاع می‌کنیم و به قول شاعر بزرگ ایران، ملک الشعرا بهار: «یارب تو نگهبان دل لاهل وطن باش».

اما در کنار «تحلیل بحران دیماه ۱۴۰۴» به نظر می‌رسد که «بحران تحلیل» بیش از هر امری خودنمایی می‌کند. آنجا که همه حوادث و رخداد دیماه را یکسره به نام دشمن خارجی و فتنهگران خوانده می‌شود. آنجا که صرف معترضان که خیلی ترین بهشت اعتراضات بود، را کم رنگ جلوه دهیم و باز مطالبات و تقاضاهای آنها مورد غفلت و بی توجهی قرار گیرد.

آنجا که جنگ ترکیبی دشمنان را باز شناسیم و به فکر کارآمد کردن رسانه‌ها و نظام اطلاع رسانی کشور باشیم. آنجا که پس از حوادث پاییز ۱۴۰۱ و لزوم آرامش اجتماعی و بسته‌های سیاسی و رفتاری که برای دستگاه‌های اجرایی و متولی مصوب گردیده بود، اما با کمال تأسف «فعل و «بی‌عملگی» آنها موجب گردید که باز شاهد حوادث خونباری چون دیماه ۱۴۰۴ باشیم.

مشکل اساسی در جامعه کنونی ایران «امتناع فهمیدن و مقاومت در برابر فهم و درک درست از اوضاع زمانه است». این که بر این باورم که ما فهم مسایل و حل آنها را در زمانه خود نداریم، بر پایه دلایل و مستندات عملی، تاحلیلی و داده‌های جهان امروزی است: ما هنوز نمی‌خواهیم باور کنیم که «اسرائیل محوری» کانون راهبردی قدرت‌های جهانی است. حمایت از اسرائیل برای آمریکا، چین، روسیه همانقدر اهمیت دارد و همانقدر به منافع ملی آنها گره خورده‌است که امروز در جهان اسلام با کمال تأسف شاهد و ناظر آن هستیم.

مقابله و مهار اطلاعاتی اسلامی و بایکوت و منزوی کردن آن در جهان و ایجاد «ایران هراسی» برنامه مشخص نظام سلطه است و ما برنامه را هرابر مدیون و کارآمدی برای مقابله باآن نداریم!

اگر چه در سیاست خارجی و نظام بین‌المللی در قرن بیست و یکم سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به شدت قدرت خود را از دست داده‌اند و به جایکردن تشانگرا و تئوری‌ها شده‌اند؛ اما با این همه، ابتکار عمل داشتن و منصل نبودن دستگاه سیاست خارجی کشور بهره‌گیری واقعی و عملی نه شعاری و ادعایی از ظرفیت‌های مختلفی که در عرصه بین‌المللی وجود دارد. از سازمان‌های شانگهای کشور‌های غیر متعصب، جهان اسلام گرفته تا سایر ظرفیت‌های بین‌المللی را کمتر در دستور کار مسولان مشاهده می‌کنیم. با تعارف و شعار نمی‌شود سیاست خارجی را اداره کرد.

اطمینان از فهم و درک پیام‌ها و عبرت‌آموزی از حوادث و شرایط دی‌ماه کشور آن است که بدینم: در ایران جابه‌جایی نسلی اتفاقات افتاده است. مفاد مفهوم زندگی و آرمان‌خواهی و درخواست‌ها با نسل گذشته بگلی دگرگون شده‌است. گروه‌های مرجع و تأثیرگذاری آنها تا جایی رسیده‌است که «احزاب سیاسی» که کنشگران رسمی در حوادث رخ داده‌ها باید باشند در باین ترتیب رتبه و منزلت اجتماعی، سیاسی قرار دارند. بدانیم که فضای مجازی به جای آنکه تهدید باشد یک فرصت بزرگ و دست‌اورد علمی بشری است و سواد رسانه‌ای استفاده از آن را باید یاد بگیریم تا این‌که به دنبال فیلترینگ و محدودسازی آن باشیم.

نشانه امتناع فهمیدن همین است که نیازها و مطالبات امروزی و جدید را با پاسخ‌های قدیم، کلیشه‌ای و کاریکاتوری پاسخ دهیم. انبوه مطالبات و تقاضاهای درست، واقعاً را به موقع جواب نمی‌دهیم. وگمان می‌کنیم که با دفع الوقت و مرور زمان خود حل می‌شود! بحران تحلیل، آن‌جا خودش را آشکار می‌کند که به موقع صدای مردم را در سنی‌شنویم و اصلاحات عاجل را انجام نمی‌دهیم. واقعا چقدر برای سوزن‌آلود شورش کشور هزینه دارد که در اجابت درخواست‌های مردم در حوزه حکمرانی و مدیریتی از باب نمونه این چند کار را به سرعت انجام دهند:

خامنه‌دادن مسوولیت‌امامت به‌درخی روحانیون که برای پایه‌های مردمی‌اند و اصولاً کار کرد اجتماعی، علمی ندارند. برای آنکه امام جمعه باید عملاً و واقعا (نه در خطابه و شعار و ادعا) پدر هر شهر و دیاری باشد.

احیای مساجد به مفهوم سگر روشنگری، عبادت، آموزش، عواطف، اخلاق، مهربانی، گره‌گشایی، همدردی، خدمات فرهنگی اجتماعی با نقش آفرینی ملجا و پناه مردم بودن این پایه‌های یک ضرورت انکار ناپذیر در شرایط کنونی است. راه‌ماینبر آشتی با مردم را از این نقطه آغاز کنیم.

ادغام و انحلال مراکزی مانند شوراها، سازمان‌ها و دستگاه‌های متعدد موازی و تا‌کارآمد که بودجه گزاف از بیت‌المال می‌گیرند و

کارکرد آنها معلوم نیست و به جای همه پاسخگو نیستند.

این اقدام به عنوان «خاموش کردن آتش» و «کنترل و مهار آن» در زمره کارهایی است که ناراضیانی مردم را کمتر می‌کند. مردم از عملکرد نظام اداری به شدت ناراضی‌اند.

کاهش فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور که چند صدایی، تقارب‌آراء، مشارکت‌جوی همه‌گراش‌ها و سلیقه‌های سیاسی در اداره کشور را به دنبال خواهد داشت. فضای باز سیاسی به معنای شنیدن صدای مردم به موقع، به جا و پرهیز از مصادره و خوانش جناحی – سیاسی و مصلحتی‌است.

اگر بخوانیم این چند گام چیست و اقدامات عاجل را فهرست کنیم، فراوان است. مردم سرمایه اصلی کشوراند. ساز و کارهای اداره کشور بر پایه رای و درخواست اکثریت آنان باید استوار باشد. فهم این مهم گامی بزرگ برای بازگشت آرامش اجتماعی به کشور است.

میدانوارم به قول اودودی مراغه‌ای: «سخن را چون خری‌یداری ندیدم، به از ترک سخن کاری ندیدم» مشغول ما نشود و گوش شنوایی باشد.



دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

نویسنده و مترجم

در بخش نخست مقاله که روز چهارشنبه گذشته منتشر شد، سخن به نقد «گروه مترقی» به ریاست حسنعلی منصور و سپس هویدارسید و اینکه کمتر کسی در ایران دیده شده است که بتواند مانند او چندچهرگی را در خود جمع کند و از قالب «ایرانیت» بیرون آید. با آمدن «گروه مترقی»، وضع دگرگون شد. بنای اداره کشور بر شیوه‌ای گذارده شد که به هیچ‌وجه با مزاج ایران سازگار نبود. اینک ادامه سخن:

دیدگاهی که اتخاذ شد، دیدگاه ایرانی نبود، و البته چیزی که در این میان به کمک آمد که به بیراه‌روی شتاب بخشد، گران‌شدن نفت بود. تفکر حکومتی ایران به هیچ‌وجه ظرفیت خرج کردن این همه پول را نداشت و سرش به دور افتاد و جز آنکه به انفجاری از نوع ۲۲ بهمن بکشد، راهی در برابرش نماند و دوداسیه به سوی آن پیش راند. شاه یک روز گفت: «گروش، آسوده بخواب، ما بیداریم»، چندی بعد گفت: «صدای انقلاب شما را شنیدم»: ولی هر دو خیلی دیر بود. شاه اگر نگوییم که در اجبار بود، خبط بزرگی در زندگی خود مرتکب شد که گروه «مترقی» را بر سر کار آورد: زیرا او مجری خوراندن دارویی به ایران گشت که برایش ناسازگار بود: گفت آن دارو که ایشان کرده‌اند آن، عمارت نیست، ویران کرده‌اند بی خبر بودند از حال درون...

دوروی متضاد

آنچه در آن پانزده سال آخر گذشت، دو روی متضاد داشت: یکی روی پرآب و رنگ و خوش‌نما که پول نفت به کمکش کار می‌برد: و دیگری روی بی‌پول‌ر، رفاہ نسبی، توسعهٔ شهرها، پول قوی، و فرودگاه مهرآباد به عنوان یکی از مراکز مهم توجه جهانی...؛ ولی روی دیگری این بود که عیار آنتونیو پاپین آمد.

مادی‌اندیشی و خودبینی رشد یافت.

همه چیز بر مبنای داد و ستد قرار گرفت و ظاهربینی بسنده شناخته شد. چون قانون درستی کشف‌نماینده که جای مبادی اخلاقی را بگیرد، هرج و مرج عارض گشت، و کار را به انقلاب کشاند.

آن روی اول است که مورد حسرت جوانان است و ما را که موی سفید داریم، چون در تاکسی با صفت آنتونیو یا مغازه بی بینند، می‌گویند: «خوش به حال شما که آن دوره را دیدید، برای ما بگویید چطور بود؟» اما از روی دوم بی‌خبرند که آشکار نبود و در بوتهٔ فراموشی افتاده است.

مردم در گিরودار دل مشغولی روزمره،

مجال دیروزنگری ندارند.

در سال ۱۳۵۴ قیمت نفت جهش کرد، از کودتای ۲۸ مرداد به این طرف، این نیز یکی از رویدادهایی بود که بی‌باست رژیم ایران را به جانب سقوط گرایش دهد. حرکات متعاضی در جریان بود.

شاه‌احمداکر که «من چپ‌گراتر از چپی‌ها هستم»، یعنی خیال تکنیکه که نظام ایران یک نظام ایستا و ارتجاعی است. همچنین گفت که: «ارتش ایران تازه سال دیگر معادل انگلیس و تا پنج سال دیگر، شکست‌ناپذیر خواهد شد.» حرف دیگری این بود که گفت:

۱۷ بهمن ۱۳۵۳). از هم‌اکنون غرور نفت، باد خود را وزانده بود.

گران شدن نفت آثاری پدید آورد که نتیجه‌اش تشنج بیشتر در وضع روحی و اقتصادی کشور بود. آن‌سخت ۱۳۵۴ اعلام کرد: «حزب رستاخیز» شد: حزب واحد که با آمدن آن، «ایران نوایی» و اسلاف‌فروشی «ملیون» و «مردم» همگی منحل می‌شدند. این اعلام از جانب شاه، همگی حتی شخص هویدا را که می‌بایست دبیرکل باشد، غافلگیر کرد. همین خود نشانه غیرعادی بودن وضع بود که یوی

آن به مشام می‌رسید.

دستگاه برای تقویت روحی خود، پیوسته حسن مرادوه خود را با خارج نمایان تر می‌ساخت. در بهار ۱۳۵۴، به ترتیب **داوودخان** افغان، **صدام**، **ساتور گندی** و **حسنین هیکل** به تهران آمدند. واقعهٔ دیگر آن بود که روز ۲۴ اردیبهشت ۵۴، سقف فرودگاه مهرآباد به ناگهان فرو ریخت و این می‌توانست مُروغی واقعی باشد که سه سال بعد نظام حاکم را در هم فرو پیچد.

در انتخابات آن سال، منوچهر **آزمون** وکیل اول تهران شد. آزمون جرو چپهای معروف بود که تواب شده بود. شاه با این سبک کار بود که می‌گفت «چپ‌تر از چپ»؛ است: ولی قرائن بعد نشان داد که نفوذ چپهای تواب در دستگاه حاکمه، یکی از موجباتی بود که انقراض نظام رازمینه‌ساز کرد.

از سوی دیگر، به توالی درآمد نفت، ثروت کشور افزایش ناگهانی گرفت. ۲۵ درصد سهام «کروپ» آلمان خریده شد. گشاده‌دستی شامل کشورهایی چند شد، حتی کشورهای شوروی و چین موکول به پذیرش آن است، و اسرائیل که جای خود داشتند.

تغییر تقویم از شمسی به شاهنشاهی، در حالی صورت گرفت که به هیچ وجه آمادگی روحی برای پذیرش آن در مردم نبود. تأثیرگذاری هرامر موکول به پذیرش آن است، وگرنه در جهت عکس عمل می‌کند.

نزدیک به همه کشورهای مؤثر در کار جهان، از ریز و درشت، در شعاع گشاده‌دستی و تطف ایران بودند. با آنکه ایران از نظر اصول در جبهه غرب و در زیر چتر آمریکا به سر می‌برد، با این حال، طوری با ظرافت عمل کرده بود و دست نوازشمند داشت که کشورهای کمونیستی هم را برپوشی آن کار و را گویا امیدوار بودند که با این روشی که دارد، روزی ایران به دامن آنها بیفتد! این بود که شاه

در سفرهای رسمی خود به اروپای شرقی، همیشه با تلویش باز روبروی شد و چین سرخ هم آن اواخر به این گروه دوستاندارن پیوست. نظام شاهی پربارترین دوران عمر خود را می‌گذراند. حکومت «وشفنگران» است: هم تجدید، هم تعین، هم تنگن، احساس هیچ کمبودی نمی‌کند، یک دست به گذشته، یک دست به آینده، یک دست به شرق (با انقلاب سفید)، یک دست به غرب (با مامیت سرمایه‌داری). حکومت پایه به اعدام سپرده می‌شوند، یا در حبس هستند، یا خانه نشین. همهٔ احتیاط‌ها به خرج داده می‌شود. سازمان امنیت در اوج هوشیاری است. در یک ماه تصفیه در ارتش، ۱۶ افسر بازنشسته می‌شوند.

هم بی‌گذشتی هست، هم گذشت؛ درشتی و نرمی با هم. **طیب رضائی** که روز انتصاب **علم** به نخست‌وزیری، یک کامیون گل برای تبریک به نخست‌وزیری می‌برد، چندی

بعد به دست همان دولت تیرباران می‌شود!

پرویز **نیکخواه** که متهم به مشارکت در توطئه قتل شاه است، به پاداش افشاکاری هایش بخشوده می‌گردد و به مقام مشاوره در رادیو تلویزیون ایران دست می‌یابد.

تناقض‌ها در کنار هم به سر می‌برند: کنگره بزرگ ایران‌شناسی و کنگره حقوق بشر در تهران تشکیل می‌شود. در عین آنکه اشرف پهلوی ریاست هیأت نمایندگی حقوق بشر ایران در سازمان ملل را بر عهده دارد، سه سال بعد بزرگترین جنجال در جهان بر سر نقض حقوق بشر در ایران درمی‌گیرد.

کنگره سعدی و حافظ در شیراز و فردوسی در مشهد برپا می‌گردد: اما همان زمان قلمها در پشت خط قرمز به سر می‌برند.

عجیب‌است که اکثر کسانی که مهره‌های اصلی کودتای ۲۸ مرداد بودند، مطرود یا نابود می‌شوند، یکی از آخرین آنها تیمور بختیار است، نخستین رئیس سازمان امنیت که نخست‌دریدر و سپس کشته می‌گردد.

تشنج و برخورد‌های مسلحانه در ایران قطع نمی‌شود: یبب گذاری، سوء قصد، سباهکل، آمل و در خیابان‌های شهرها، قتل ابروئی‌نورد، زیرپایه‌های کار خود را محکم می‌بیند: ارتش قوی، انضباط، درآمد سرشار نفت، استیلای سازمان امنیت...

هیچ صاحب اندیشه‌ای، حتی دیپلمات‌های مقیم تهران، فتوری در کار او نمی‌بینند و پیش‌بینی بدروزی او را ندارند. با این حال، علامت‌های کوچک و بزرگ در

احمد **آرامش**، وزیر پیشین که نخستین اعلامیه جمهوری را انتشار داده و چند سال در حبس بود، پس از آزادی، در پارک لاله، روز حسین، به دست یک مأمور سازمان امنیت هدف گلوله قرار می‌گیرد و می‌میرد. از نوع دیگر، شخصی به نام فیاض رهبری نه تن از اعضای خانواده خود، ازجمله برادرش را با جاقو و تبر به قتل می‌رساند که این نشانه‌ای از اختلال روانی کسانی است که به تعداد فراوان در جامعه ایران به سر می‌برند.

شاه می‌گوید قدرت دفاعی ایران تا پنج سال دیگر شکست‌ناپذیر خواهد بود، یعنی هیچ قدرتی حریف او نخواهد بود. این را نیز می‌گوید که: «چشم‌ابی‌ها باید از خواب خودبستگی بیدار شوند»، یعنی تنها ما راه درست است.

حکومت در اوج توانمندی است. **کیسینجر** – وزیر خارجه آمریکا– به ایران می‌آید و یک قرارداد ۱۵ میلیارد دلاری می‌بندد.

در عین حال به ناگهان چنان احساس نارسایی می‌شود که همه حزبهای گذشته را منحل می‌کنند و حزب واحد «رستاخیز» را به جانها می‌نشانند. از این پس ایران باید یک زبان داشته باشد.

با بدعتی تازه، همه ایرانیان به صورت

باقوه موظفند که عضو این حزب فراگیر باشند.

دولت اعلام می‌کند که در سال گذشته (۱۳۵۳) هفت میلیارد دلار به کشورهای دیگر کمک کرده است: اما همان زمان اتفاقی روی می‌دهد که حاکی از بیماری نظام است: کاترین عدل، دختر پرفسور **عدل** که از زندیکان شاه است، و بهمن **حجت** – فرزند سپهدی **حجت** که او نیز یکی از امرای معروف ارتش است، حالت عصبان به خود می‌گیرند، به هم می‌سازند و سرهنگ **رضائی**، فرمانده ائرنامری قزویان را می‌کشند و خودشان هم بعد کشته می‌شوند. آیا معنی دار نیست؟ دو

تن از خانواده‌های بالانشین‌کنشور؟

از یک سوسران کشورهای مختلف به ایران روی‌آور هستند، و از سوی دیگر برخورد‌های مسلحانه و شورش در گوشه و کنار قطع نمی‌شود: آیا کشور امن است؟ بلی، آبل از آب تکان نمی‌خورد.

هیچ‌کس یک کلمه حرف معارض بر زبان نمی‌آورد که به خط قرمز تخطی باشد: اما در عین حال، سه نفر از مستشاران آمریکائی در تهران به قتل می‌رسند.

آتش‌سوزی در مراکز تجاری، خاموشی برق، عوارض طبیعی نیز بر آنها اضافه می‌گردد: سیل، زلزله. در این میان دو واقعه مهم روی می‌دهد که به یک‌دیگر بی‌ارتباط نیستند:

خبری نیست، ولی هست خبر

یکی آنکه یک کشاورز گمنام به نام جیمی **گارتز** از شرکت دمکرات، رئیس جمهوری آمریکا می‌شود و زمینه تبلیغی برنامه خود را «حقوق بشر» در سطح جهانی اعلام می‌کند.

دوم به تیغ آن، نوعی بیدارشدگی ناگهانی نسبت به «حقوق بشر»، رئیس تبلیغ جهانی راه می‌یابد و بیش از جاهای دیگر، باشد به ایران می‌گیرد. مسئله حقوق بشر مرز داخلی را درمی‌نوردد و به خارج می‌رسد.

به دعوت عفون الملل، معترضان نقض حقوق بشر ایران در هلند گرد می‌آیند. این در حالی است که هنوز حکومت ایران می‌تواند کنگره بزرگ حزب رستاخیز تشکیل دهد و در آن حدود هفت‌هزار نفر جمع کند.

کنده قابل توجه: پیش از آنکه انتخاب قاتل به تئورسمی اعلام گردد، شاه ایران نخستین کسی بود که به او تبریک گفت: ولی او به این تبریک برخلاف معمول پاسخ نداد. فقط مدتی بعد نزد درشیا رفت: «سفیر ایران – به طور شفاهی تشکر کرد. من وقتی خبر این تأخیر را رادیو شنیدم، بر دلم برات شد که همین واقعه کوچک می‌تواند آثار بزرگ در پی داشته باشد» و قول نینما: خبری نیست، ولی هست خبر!

گارتز در ضمن تبلیغ انتخاباتی خود، یک ندای خطرناک سر داده بود و آن جانبداری از «حقوق بشر» بود. به دنبال این حرف، زمزمه‌هایی در بعضی جاها پیش آمد، ولی



مردم در گيرودار دل مشغولی روزمره، مجال ديروزنگری ندارند !

بخش دوم



از هر سو آتشیهای زیر خاکستر خود را می‌نمایند: از دانشگاه صنعتی تا کردستان.

در آمریکا دانشجویان «بورسیه» بنیاد پهلوی در تظاهرات ضد شاه شرکت می‌جویند، در تهران کسانی که مدیون حکومت بودند، مرده باد می‌گویند. زنه‌ای مرفه، با الگوهای طلا، دست هوارمی‌کنند و عزل شاه را می‌خواهند. کشورهایی که از گشاده‌دستی دولت ایران برخوردار بودند، روی پنهان می‌دارند.

حق‌ناشناسی که از جانب کسانی نسبت

به خانواده پهلوی می‌شود، باید عبرت تاریخ گردد. از **فردوست** که نزدیک‌ترین دوست شاه بود، تا **فریدون هویدا** – برادر امیرعباس – و دیگران... این فراموشی می‌کنند که هر چه داشتند، از شاه داشتند. **هوشنگ انصاری** که یک کارمند محلی سفارت ایران در توکیو پیش نبود، به وزارت و سفارت می‌رسد و با کیسینجر

بالوده می‌خورد: ولی روز می‌باد از نیمه‌راه سفر می‌گذرد.

کجا رفتند آن کشورهایی که قالیچه قرمز

می‌انداختند و افتخار می‌کردند که شاه ایران

به آنان عجب دیدار ببخشد؟ کسی که بیشترین

سرای را در سراسر جهان داشت، چه شد که

گوشه‌ای نیافت که تن بیمار خود را در آن

ببازراند؟ و **کیسینجر** او را «یهودی سرگردان»

خواند! بار دیگر عبرت تاریخ مانند قبر مذاب

سرایز می‌شود، همان گونه که در مورد محمد

خوارزمشاه سرازیر شده بود: ولی این بار روی

دیگر دارد. جمعیت میلیونی در روز عید

فطر و اربعین و تاسوعا و عاشورا، زن و مرد راه

افتادند و در بیرون گردن شاه، شرکت جستند

و او که زمانی کس سزمین ایران را در حیطه

اقتدار داشت، با چشم گریان آن راترک کرد.

در نمایشماه **شکسپیر**، آنتونیوس می‌گوید:

«آنتونیوس، آنتونیوس را کشت!»، در اینجا

هم هیچ کس جز شاه، شاه را بیرون کش

زرتشتی‌ها معتقدند که روز رستاخیز بر سر پل

«چیپتود»، عمل این جهانی‌هر کس به صورتی

که بوده است، متجسم می‌شود: یا به صورت

پیروزی زشت، یا به صورت درخت زری.

من نمی‌گویم که شاه درباره ایران نیت

بد داشت. برعکس، قرائتی نشان می‌دهد

که آن را سرافراز می‌خواست. یک بار گفت:

«حکومت کردن بر یک مشت مردم فقیر،

افتخار نیست» و وراست می‌گفت: ولی عواقب

اشتباه کمتر از عواقب سونیت نیست.

او ایران را در قالب وجود خود متجسم

می‌دید، و این قالب بسیار تنگی بود. او

می‌اندیشید که می‌برد برای من خوب است،

برای ایران هم خوب است، و چون اطرافش را

یک عده مردم خفیر گرفته بودند، این قالب

به ظرفیت حقارت آنان شکل گرفته که قالب

تنگی بود. فرو افتادن شاهنشاهی ۳۰۰۰ ساله

ایران کار کوچکی نبود، ولی واکنش روزگار از

آن بر زورتر بود.

هیچ کشوری آن را جدی نگرفت مگر ایران، و علتن آن بود که حکومت ایران بیش از کشورهای دیگر به آمریکا اتکا داشت. بعد از **کندی**، این دومین بار بود که رابطه ایران و آمریکا از آن حالت قابل اطمینان انحراف پیدامی‌کرد.

در سال ۱۳۵۶ مقامات ایرانی با دستپاچگی از فضای آزاد و حق انتقاد کردن مردم دم می‌زنند. نخستین بار است که این زمزمه‌ها شنیده می‌شود. یخ قفسیه شکسته شده‌است، و حتی کشورهای غربی که طرف تجارتی ایران بودند و همواره رعایت حال او را می‌کردند، بوهایی شنیده‌اند و می‌خواهند خود را با مردم هماهنگ کنند.

این است که سفارت آلمان در باشگاه فرهنگی خود را به روی «دگرنایشان» باز می‌گذارد که بایاند شعر بخوانند و دم از آزادی بزنند و پروایی از حساسیت حکومت نداشته باشند. در داخل دستگاه حاکمه و مجلس هم ریزه‌خوانی از وضع کشور شروع می‌شود، چیزی که از بعد از ۲۸ مرداد سابقه نداشت.

شاه که قصد دیدار با گارتز دارد، با تظاهرات وسیع دانشجویان ایرانی در آمریکا روبرو می‌شود، بدان گونه که بر اثر گاز اشک‌آور پلیس، اشک از چشمان شاه و گارتز سرازیر می‌گردد.

همه علائم‌نشان می‌دهد که دور تازه‌ای در زندگی سیاسی ایران شروع شده است. وقتی سیر روزگار وارونه شد، اتفاق‌های عجیب‌روی می‌نمایند: گارتز در دیدار خود از تهران، از یک سو «احترام عمیق خود را به شاهنشاه» ابراز می‌دارد، و از سوی دیگر در دل سودای دیگری دارد.

از هر سو آتشیهای زیر خاکستر خود را

می‌نمایند: از دانشگاه صنعتی تا کردستان.

در آمریکا دانشجویان «بورسیه» بنیاد پهلوی

در تظاهرات ضد شاه شرکت می‌جویند، در

تهران کسانی که مدیون حکومت بودند،

مرده باد می‌گویند. زنه‌ای مرفه، با

الگوهای طلا، دست هوارمی‌کنند و عزل شاه

را می‌خواهند. کشورهایی که از گشاده‌دستی

دولت ایران برخوردار بودند، روی پنهان

می‌دارند.

حق‌ناشناسی که از جانب کسانی نسبت

به خانواده پهلوی می‌شود، باید عبرت تاریخ

گردد. از **فردوست** که نزدیک‌ترین دوست شاه

بود، تا **فریدون هویدا** – برادر امیرعباس – و

دیگران... این فراموشی می‌کنند که هر چه

داشتند، از شاه داشتند. **هوشنگ انصاری** که

یک کارمند محلی سفارت ایران در توکیو پیش

نبود، به وزارت و سفارت می‌رسد و با کیسینجر

بالوده می‌خورد: ولی روز می‌باد از نیمه‌راه سفر

می‌گذرد.

کجا رفتند آن کشورهایی که قالیچه قرمز

می‌انداختند و افتخار می‌کردند که شاه ایران

به آنان عجب دیدار ببخشد؟ کسی که بیشترین

سرای را در سراسر جهان داشت، چه شد که

گوشه‌ای نیافت که تن بیمار خود را در آن

ببازراند؟ و **کیسینجر** او را «یهودی سرگردان»

خواند! بار دیگر عبرت تاریخ مانند قبر مذاب

سرایز می‌شود، همان گونه که در مورد محمد

خوارزمشاه سرازیر شده بود: ولی این بار روی

دیگر دارد. جمعیت میلیونی در روز عید

فطر و اربعین و تاسوعا و عاشورا، زن و مرد راه

افتادند و در بیرون گردن شاه، شرکت جستند

و او که زمانی کس سزمین ایران را در حیطه

اقتدار داشت، با چشم گریان آن راترک کرد.

در نمایشماه **شکسپیر**، آنتونیوس می‌گوید:

«آنتونیوس، آنتونیوس را کشت!»، در اینجا

هم هیچ کس جز شاه، شاه را بیرون کش

زرتشتی‌ها معتقدند که روز رستاخیز بر سر پل

«چیپتود»، عمل این جهانی‌هر کس به صورتی

که بوده است، متجسم می‌شود: یا به صورت

پیروزی زشت، یا به صورت درخت زری.

من نمی‌گویم که شاه درباره ایران نیت

بد داشت. برعکس، قرائتی نشان می‌دهد

که آن را سرافراز می‌خواست. یک بار گفت:

«حکومت کردن بر یک مشت مردم فقیر،

افتخار نیست» و وراست می‌گفت: ولی عواقب

اشتباه کمتر از عواقب سونیت نیست.

او ایران را در قالب وجود خود متجسم

می‌دید، و این قالب بسیار تنگی بود. او

می‌اندیشید که می‌برد برای من خوب است،

برای ایران هم خوب است، و چون اطرافش را

یک عده مردم خفیر گرفته بودند، این قالب

به ظرفیت حقارت آنان شکل گرفته که قالب

تنگی بود. فرو افتادن شاهنشاهی ۳۰۰۰ ساله

ایران کار کوچکی نبود، ولی واکنش روزگار از

آن بر زورتر بود.

ادامه دارد

* یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۶* ۱۲ شعبان ۱۴۴۷

* یکم فوریه ۲۰۲۶* سال صدم* شماره ۲۹۱۵۸

ettelaatonline

ettelaat.com

ریشه های فروپاشی سلطنت

بخش نهم



دکتر عبقلی غالیخانی

ویراستار یادداشت‌های علم

سخن به اینجا رسید که گشاد بازی مالی و بی‌انضباطی و تقدیم‌های نادرست اقتصادی و نظامی موجب هرج و مرج عجیبی در کارها شد. اینک ادامه مطلب:

با همه این گرفتاری‌ها، شاه همچنان در دنبال کردن طرحهای مورد علاقه خود با فشاری می‌کرد. راشتن این است که شاه در مرحله دوم به همه چیزهایی که موجب کامیابی او در مرحله نخستین شده بود، پشت پا زد. برنامه‌ریزی درازمدت اقتصادی را به دور افکند و در گزینش سیاست اقتصادی و طرح‌ها و ترتیب تقدم آنها، «هوس» جانشین «محاسبه و منطق» شد، بخش خصوصی را هراسان ساخت و سیاستی که موجب تورم می‌شد، در پیش گرفت. همه این عوامل دست به دست هم دادند و زندگی را تو به مردم که با بوق و کرنا تبلیغات دولتی درباره «پیروزی نفت» در انتظار روزهای درخشان‌تری بودند، تنگ و آنان را دل‌سرد و خشمگین ساختند.

تبلیغات

چشمداشت همیشگی شاه این بود که «بزرگترین مرد تاریخ ایران» و «بالا تر از همه شاهان پیشین» شناخته شود: همه پیروزی‌های ملی زمان او به اونسبت داده شوند و درخشش زوگذرد هیچ‌کس چیزی مگر بازتاب بی‌روفتی از شخصیت پرتواشان او نباشد! باور شاه این بود که پدرش او را مرد باکفایتی گمان نمی‌کرد. از این گذشته سالهای آغازین سلطنت و بی‌اعتنایی چند تن از نخست‌وزیرانش را پیوسته به یاد داشت. در نخستین سفر به انگلستان نیز در تابستان ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) که مقارن با بازی‌های المپیک در آن کشور نبود، به گونه‌ای سرد و حتی زننده با او رفتار شد. در زمان نخست‌وزیری **دکتر مصدق** نیز یک بار در مراسمی که به مناسبت زادروز او در ورزشگاه امجدیه برپا شد، به مجرد ورود شاه، ناگهان جمعیت اطراف جایگاه که از هواخواهان حزب توده بود، دست به آسارگویی و توهین زدند و او را به ترک ورزشگاه واداشتند. این‌گونه زخمهای روانی ناپیدا همیشه او را رنج می‌داد و همواره آرزو داشت از ایرانیان گرفته تا بیباگان، از مردم معمولی گرفته تا سیاست‌پشگان و رهبران قوم، به همه همه نشان دهد که از همه بترتر است. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و واژگون شدن دولت مصدق و به ویژه به دنبال برکناری سپهبد زاهدی، شاه نیروی تازه‌ای یافت و مداخله‌اش در امور بیشتر شد و به استثنای دوره صدارت دکتر امینی، نخست‌وزیرانی را برگزید که هیچ‌یک ادعایی نداشتند و رهبری او را پذیرا بودند. از ۱



مردم با پشت سرگزداشتن نسبی روزهای پرتلاطم اعتراضی حلا‌منتظرند نظام تصمیم گیری با توجه به فرصت‌ها و البته تهدیدهای موجود، به راه‌حلی موثر و واقعی برسد تا بلکه آ‌رامش معیشتی برای اقشار مختلف و به ویژه دهک‌های پایین جامعه ایجاد شود. احمد شیرزاد، نماینده ادوار مجلس در گفتگو با اطلاعات به بررسی عوامل بحران اقتصادی موجود و راه‌حل‌هایی که در این شرایط قابل اجراءست، پرداخته است.

به گفته وی، بهترین راه حل بیان صادقانه و

رواست مشکلات برای مردم و جلب همراهی

و همکاری آنان در شرایط فعلی کشور است.

وی تجربه دفاع مقدس هشت ساله را مثال

می‌زند که در آن مردم با اطلاع از شرایط جنگی

و خاصی کشور نهایت همراهی و همکاری را

اعمال کردند.

در شرایط فعلی مسئولان برای ایجاد آرامش و

امنیت معیشتی مردم چه کاری باید انجام بدهند؟

مدیریت فضای اقتصادی بحثی کلیدی و

بسیار مهم در این خصوص است. البته شاهدیم

که دولت همه هم و غمش را به کار گرفته تا

به هر طریق ممکن، قیمت‌ها را کنترل کند

که در همین راستا مدیریت نرخ ارز و اجرای

سیاست‌های جدید ارزی را در دستور کار خود

قرار داده است. با این حال نمی‌توانیم از کنار

این موضوع به راحتی بگذریم که اقتصاد ایران با

واقعیت‌هایی تلخ مواجه است که شامل پایین

بودن تولید، افزایش تورم، بالا بودن انتظارات

تورمی و البته تحریم‌هایی بین‌المللی می‌شوند.

این موارد به طور طبیعی روی معیشت مردم

اثرات منفی گذاشته و این اثرپذیری و در نتیجه

بالا رفتن هزینه‌های اقتصاد جامعه و بخصوص

دهک‌های پایین اجتناب‌ناپذیر است.

در چنین شرایطی راه‌حل موثر و قابل اجرا

چیست؟

دست‌اندرکاران باید با مردم خیلی رو‌است

و واقع‌گرایانه و صادقانه صحبت کنند و شرایط

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و



قیمت جو

وارداتی به

حدود ۳۳ هزار

تومان رسیده

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

به آن خریداری

شود

و این در حالی

است که گندم،

به عنوان

یک محصول

راهبردی نباید

باقیمتی کمتر

یاجنی نزدیک

انتقاد صریح رئیس پیشین اطلاعات عربستان از صهیونیست ها

ترکی الفیصل: نباید به اسرائیل «حق دفاع از خود» اعطا کرد



رئیس پیشین دستگاه اطلاعات عربستان سعودی با انتقاد صریح از سیاست های رژیم صهیونیستی، تأکید کرد که هرگونه عادی سازی روابط با این رژیم منوط به تشکیل دولت مستقل فلسطین است و صلح بدون عدالت، صلحی پایدار نخواهد بود.ترکی الفیصل گفت موضع ریاض در قبال عادی سازی روابط با اسرائیل همچنان ثابت است و تا زمانی که دولت مستقل فلسطین تشکیل نشود، هیچ توافقی در این زمینه صورت نخواهد گرفت. الفیصل طی سخنانی در نشست افتتاحیه «اجلاس سرمایه گذاری بحر»، با انتقاد از سیاست های رژیم صهیونیستی تصریح کرد: «نمی توان به اسرائیل «حق دفاع از خود» اعطا کرد، در حالی که همین حق از فلسطینی ها که هدف حملات مداوم قرار می گیرند، سلب می شود.وی گفت: اسرائیل سال هاست از یک ماشین تبلیغاتی استفاده می کند که خود را قربانی نشان دهد و اقدامات اسرائیل تحت رهبری دانیائو، منطقه را به وضعیتی رسانده که امروز شاهد هستیم.

باریایی راهپیمایی در کاراکاس

هزاران نفر در ونزوئلا خواستار بازگشت مادورو شدند



هزاران نفر در کاراکاس پایتخت ونزوئلا با برگزاری یک راهپیمایی خواستار بازگشت نیکلاس مادورو، رئیس جمهور رپوده شده این کشور و همسرش سلپا فلورس شدند.این تظاهرات که توسط حزب حاکم سوسیالیست متحد ونزوئلا رهبری شده بود، خواستار احترام به حاکمیت ونزوئلا و آزادی فوری رئیس جمهور و همسر وی شد.در خبری دیگر دلسی رودریگز، رئیس جمهور موقت ونزوئلا از ارائه قانون عفو عمومی که شامل زندانیان سیاسی و مخالفان دولت می شود، خبر داد. این قانون، تمام پرونده ها از سال ۱۹۹۹ (قاز ریاست جمهوری هوگو چاوز) تا زمان حال را در بر می گیرد.طبق اعلام رودریگز، این عفو عمومی شامل جرائم مرتبط به خشونت سیاسی، اعتراضات و فعالیت های مخالفان خواهد بود. اما شامل قتل، قاچاق مواد مخدر، فساد مالی و نقض حقوق بشر نمی شود.در رویدادی دیگر خطوط هوایی آمریکا پس از شش سال، پروازهای خود به ونزوئلا را از سر گرفت.



باهشدار به کشورهای عضو

گوترش: سازمان ملل در آستانه فروپاشی مالی است



دبیرکل سازمان ملل متحد در نامه ای به کشورهای عضو، درباره خطر فروپاشی مالی قریب الوقوع این سازمان هشدار داد.آنتونیو گوترش گفت بحران مالی سازمان ملل در حال عمیق تر شدن است و ادامه برنامه ها را تهدید می کند. وی افزود: اگر وضعیت تغییر نکند، پول نقد سازمان ملل ممکن است تا ماه ژوئیه (تیر) تمام شود.او تأکید کرد که این بحران با بحران های مالی قبلی سازمان کاملاً متفاوت است، زیرا برخی کشورها رسماً اعلام کرده اند سهم اجباری خودشان را پرداخت نخواهند کرد؛ سهمی که بخش مهمی از بودجه عادی سازمان را تأمین می کند.دبیرکل سازمان ملل گفت با همه کشورهای عضو به تعهدات قانونی خود طبق منشور سازمان ملل عمل کرده و سهم خود را کامل و به موقع پرداخت می کنند، یا باید قوانین مالی سازمان به طور اساسی بازنگری شود تا از فروپاشی مالی جلوگیری گردد.گوترش افزود: سال ۲۰۲۵ با رکورد بی سابقه منابع پرداخت نشده به پایان رسید.

روز ملی اعتراض از کالیفرنیا تا نیویورک رافراگرفت

تظاهرات مردم ۴۶ ایالت آمریکا علیه سیاست های ترامپ



برگزار شد. معترضان با محکوم کردن استقرار

نیروهای مهاجرتی فدرال، سیاست های دولت ترامپ را نماد سرکوب و ارباب شهروندان دانستند و گفتند این اقدام، بیش از آنکه اجرای قانون باشد، نمایشی عریان از اعمال قدرت و ارباب اجتماعی است. معترضان تأکید کردند که حضور گسترده نیروهای مهاجرتی، نه با هدف اجرای قانون، بلکه برای ایجاد فضای رعب و کنترل اجتماعی صورت گرفته است.

رایش مهاجران توسط پلیس

در این تجمعات، برخی معترضان با اشاره به یورش مأموران فدرال به خانه ها به خصوص در شهر سنت پل، گفتند همسایگان مهاجرشان از خانه ها ربوده می شوند. آنها این اقدامات را نشانه ای از تبدیل شدن آمریکا به یک دولت پلیسی اعلام کردند. به گفته آنها، مأموران فدرال بارها افراد اشتباه را بازداشت کرده و پس از بازجویی، آنان را در نقاط مختلف شهر رها کرده اند؛ رفتاری که به زعم شهروندان، نشان دهنده ناکارآمدی و بی مسئولیتی آنها در ایالات است. معترضان همچنین گفتند مردم مینه سوتا احساس می کنند از سوی کشوری که باید حامی آنان باشد، مورد حمله قرار گرفته اند؛ این دیگر سیاست مهاجرتی نیست، بلکه جنگ دولت علیه مردم خودش است. این تظاهرات ها وخشم عمومی از زمانی به اوج رسید که دو معترض به نام های «رنه گود» ۳۳ساله که مادر سه فرزند بود و «الکس برتی» پرستار بخش مراقبت های ویژه، در جریان اعتراضات اخیر در مینهاپولیس با شلیک نیروهای فدرال کشته شدند.



هزاران معترض در

سراسر آمریکا با هدف

درخواست خروج مأموران

فدرال مهاجرتی (آپس)

از ایالت مینه سوتا در پی

تیراندازی مرکبار به دو

شهروند آمریکایی، دست به راهپیمایی و

تجمع زدند.

هفته پیش در پیامی در تروث سوشال ادعا

کرد شنیده ام کشور بزرگ عراق ممکن است

اشتباهی بسیار بزرگ مرتکب شود و نوری

المالکی را بار دیگر به عنوان نخست وزیر

انتخاب کند.

سنای ایالات متحده تصویب کرد

قطع دسترسی طالبان

به کمک های آمریکا

کمپته روابط خارجی سنای آمریکا، طرح

قطع دسترسی طالبان به کمک های مستقیم

یا غیرمستقیم این کشور را تصویب کرد. بر

اساس گزارش ها، کمپته روابط خارجی سنای

آمریکا در قالب برنامه «ممنوعیت پرداخت

پول مالیات دهندگان ایالات متحده به

دسترسی حکومت طالبان

به کمک ها و پول مالیات دهندگان آمریکا

رافض کرد.

در همین حال، سخنگوی طالبان در

سخنانی گفت که سیاست آمریکا ثبات ندارد

اما بنظر می رسد واشنگتن به دنبال بازگشت

دیپلماتیک به افغانستان است. «ذبیح الله

بمجاهد» به تلویزیون «پیمان افغان» گفت:

اگرچه سیاست آمریکا در حال حاضر ثبات

ندارد، صبح یک سیاست و شام سیاستی

دیگر است، اما به نظر می رسد آنها به این

نتیجه رسیده اند که نبود حضورشان در

افغانستان و منطقه به زبان شان است. وی

افزود: اگر آمریکایی ها به بازگشت دیپلماتیک

به افغانستان فکر کنند، شرایط نیز برای

آنها مهیا است و امارت اسلامی از حضور

دیپلماتیک آنها حمایت می کند. سخنگوی

ارشد طالبان در مقابل بازگشایی سفارت

آمریکا در کابل، خواستار تحویل دهی سفارت

افغانستان در واشنگتن به طالبان شد و از

آمریکا خواست محدودیت های بانکی بر

افغانستان را لغو کند و پول های مسدود شده

این کشور را آزاد سازد.



اخبارخارجی

بادعای تلاش برای کودتا علیه نتایج انتخابات ۲۰۱۶

ترامپ خواستار بازداشت اوپاما شد



دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا خواستار دستگیری باراک اوپاما، رئیس جمهور اسبق این کشور شد. ترامپ با انتشار پستی در رسانه اش «تروث سوشال»، باراک اوپاما، رئیس جمهور اسبق آمریکا را به تلاش برای کودتا علیه نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ متهم کرد و خواستار بازداشت او شد. ترامپ اظهار داشت که تئولسی گابارد، مدیر اطلاعات ملی آمریکا صدها سند در ارتباط با پرونده موسوم به «روسیه گیت» منتشر کرده است. اشاره ترامپ به پرونده ای است که بعد از پیروزی ترامپ در انتخابات سال ۲۰۱۶ درباره ارتباطات احتمالی او با دولت روسیه گشوده شد. قانونگذاران دموکرات در آن زمان ادعا کردند که دولت روسیه به نفع ترامپ در انتخابات دخالت کرده است. طبق ادعای ترامپ، این اسناد نشان می دهند او با پیام مأموران سیاستور داده بود داده های اطلاعاتی را به گونه ای تحریف کند که علیه او (ترامپ) باشد. وی در پایان پیامش نوشت: اوپاما را همین الان دستگیر کنید.

در عراق چه می گذرد؟

محمد علی مهتدی

تحلیلهای مسائل خاورمیانه

دیدگاه

دو ماه و اندی از برگزاری انتخابات پارلمانی در عراق می گذرد و در این مدت، احزاب و جریان های سیاسی هنوز نتوانسته اند برای انتخاب رؤسای سه گانه به توافق برسند. یادآوری کنیم که پارلمان عراق ۳۳۹ نماینده دارد و طبق رسمی که آمریکایی هایس از اشغال این کشور بر جای نهاده اند، جایگاه ریاست پارلمان متعلق به عرب های شنی، ریاست جمهوری متعلق به کردها و جایگاه نخست وزیری متعلق به عرب های شیعی است. پارلمان، نخست ریزش خود را در انتخاب می کند، سپس رئیس جمهوری را و سرانجام، بزرگترین فرانسویون شیعی، نامزد مورد نظر خود برای نخست وزیری را معرفی می کند که پس از رأی گیری، با حکم رئیس جمهوری مأمور تشکیل کابینه می شود.

تجربه رقابت های سیاسی در عراق نشان می دهد که همانند لبنان، اغلب احزاب و شخصیت های سیاسی منافع شخصی و حزبی خود را بر منافع ملی ترجیح می دهند و این دقیقاً همان چیزی است که نیروهای استعمارگر این کشورها پدید آورده اند تا در نهایت خود آنها نقش حکم را بر این کل اختلاف بازی کنند. در نخستین گام یعنی انتخاب رئیس پارلمان، شاهد بودیم که رقابت بین احزاب شنی برای معرفی نامزد این جایگاه اقدر شدید بود که کار به درگیری و فحاشی کشید. در نتیجه در نخستین جلسه پارلمان جدید، هیبت الحلیوسی، از نزدیکان محمد الحلیوسی، رئیس حزب تقدم و رئیس سابق پارلمان، به ریاست پارلمان انتخاب شد.

اکنون رقابت هاباری انتخاب نایب رئیس ادامه دارد و تا لحظه نگارش این سطور، احزاب سیاسی گرد هنوز پیرامون معرفی نامزد ریاست جمهوری به توافق نرسیده اند. اما تحول مهم این بود که «چهارچوب هماهنگی» به عنوان بزرگترین شکل شیعی، نوری المالکی را نامزد نخست وزیری کرد. هرچند معرفی المالکی با اجماع صورت نگرفت و برخی از احزاب شیعی موافق این امر نبودند اما این نامزدی، طوفانی را در صحنه سیاسی عراق برانگیخت.

چرا المالکی؟ موافقان استدلال می کنند که با توجه به رویدادهای داخلی و منطقه ای، بویژه اعزام هزاران داعشی از سوریه به عراق و نیز لشکرکشی آمریکا در منطقه و تهدید به حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران و احتمال بروز یک جنگ منطقه ای، سکان هدایت امور در عراق باید در دست سیاستمداری کهنه کار و با تجربه مانند المالکی باشد تا کشتنی عراق را در این امواج ماطلطم به ساحل امن برساند، بویژه که المالکی روابط خوبی نیز با دیگر مؤلفه های عراقی مانند شی ها و کردها دارد. مخالفان نیز دلائل خود را دارند، از جمله اینکه المالکی در شکل «چهارچوب هماهنگی» نوعی «عامت» دارد و تعیم نباید وارد امور اجرایی او شد، بلکه باید نقش ناظر و هماهنگ کننده را بازی کند؛ و با این که در صحنه منطقه ای، المالکی به خلاف شیعیان سودانی، سابقه ایجاد توازن بین همه بازیگران منطقه ای را ندارد؛ و دلائل شخصی دیگر.

در این میان، موضعگیری دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا اوضاع را درگیر کند. ترامپ ضمن مخالفت با نخست وزیری نوری المالکی، اعلام کرد اگر المالکی نخست وزیر شود آمریکا کمک های خود به عراق را قطع می کند. این موضع، دخالتی و قبیحانه در امور داخلی یک کشور مستقل و نقض حاکمیت آن کشور بود که بسیاری از شخصیت ها و جریان های سیاسی عراق آن را محکوم کردند.

در بغداد نیز تظاهراتی درمی در برابر سفارت آمریکا صورت گرفت. ظاهراً علت مخالفت ترامپ با المالکی این است که او المالکی را طرفدار جمهوری اسلامی ایران می داند و این موضوع، جزئی از طرح گسترده ترامپ علیه ایران یا جریان های شیعی و محور مقاومت است. قبل از آن نیز آمریکا خواستار انصار سلاج در دست دولت عراق شده بود و اینکه گروه های مقاومت در عراق باید خلع سلاح شوند و اسلحه خود را به ارتش تحویل دهند؛ موضوعی که در لبنان نیز عیناً دنبال می کنند. البته گروه های مقاومت پاسخ دندان شکنی به ترامپ دادند و تأکید کردند که با انصار سلاج در دست دولت موافقت اما در شرایطی که آمریکایی ها به اشغال عراق پایان دهند و بطور کامل از عراق بروند و دولت حاکمیت کامل خود را باز بگیرد، خط قرمز دولت عراق عملاً فلج می شود.

و اما «قطع کمک های آمریکا» به چه معنی است و اکنون چه باید کرد؟ مستشاران نظامی آمریکا آموزش هایی به ارتش عراق می دهند و تسلیحات ارتش را کنترل می کنند و این امر بیشتر بهانه ای برای ادامه حضور آنها در عراق است. اما نکته مهم این است که درآمد ناشی از فروش نفت عراق در اختیار دولت قرار نمی گیرد، بلکه به خزانه داری آمریکا می رود و دولت عراق برای هزینه های خود و پرداخت بهای معاملات باید از آمریکا درخواست واریزی نماید و اگر عراق تحریم یا پول هایش در خزانه داری آمریکا بلوکه شود دولت عراق عملاً فلج می شود.

«چهارچوب هماهنگی» و شخص المالکی در برابر تصمیم دشواری قرار گرفته اند؛ از طرفی تن دادن به درخواست ترامپ سابقه بدی ایجاد می کند و اشتباهی آمریکا برای امر و نهی و دخالت در امور داخلی عراق را افزایش می دهد و از طرف دیگر، ایستادگی در برابر آمریکا نیز تبعات خود را دارد که تحمل آن دشوار است. لذا چهارشنبه گذشته جلسه ای برای راهمجوی با شرکت همه اعضای «چهارچوب هماهنگی» در منزل المالکی تشکیل شد و نظر اکثریت اعضا این بود که باید با دو سومی از طریق گفتگو با آمریکا پیدا شود. پس از این جلسه، المالکی با کاردار سفارت آمریکا در بغداد مقابله به گفتگو نشست که هنوز از نتایج آن اطلاعی منتشر نشده است.

وزیر اطلاع رسانی رژیم سوریه اعلام کرد

اجرای توافق حکومت الجولانی با کردها از فردا دوشنبه

وزیر اطلاع رسانی سوریه اعلام کرد توافق امضا شده میان دمشق و کرد های موسوم به نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) از فردا دوشنبه آینده وارد مرحله اجرایی خواهد شد. «حمزه المصطفی» از دستپایی به توافق جامع با قسد خبر داد و گفت این توافق به پایان وضعیت چنددستی در کشور منجر شده و زمینه ساز مرحله ای جدید از ادغام کامل خواهد بود. وی با اشاره به تغییر شرایط میدانی پس از بازپس گیری کنترل دیارلوزر و الرقه در شرق کشور، گفت: توافق با قسد درباره شهرهای الحسکه و القامشلی در شمال شرق سوریه و ادغام نیروهای نظامی، مکمل توافق ۱۸ ژانویه به شمار می رود. در ۱۸ ژانویه، رژیم سوریه به قسد توافقی برای برقراری آتش بس و ادغام نیروها و نهادهای این گروه در ساختار دولت اعلام کرد. اما دمشق اعلام کرده پس از آن نیز اقدامات خطرناکی در نقض این توافق مرتکب شد.

اخبار

تحلیلهای مسائل خاورمیانه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

دیدگاه

